



بررسی تطبیقی نقش زنان در سلامت اخلاقی فرزندان از دیدگاه اسلام و مسیحیت

حسین سلیمی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴

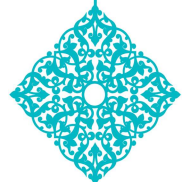
چکیده

خانواده مهمترین نهاد کوچک جامعه و اصلی ترین عامل در انتقال فرهنگ، اندیشه، آداب و اخلاق از نسلی به نسل دیگر است که در میان اعضای خانواده اولین عامل مهم تاثیر گذاری بر تربیت افراد درون آن متعلق به مادر بوده، به شکلی که مادر می‌تواند با اعمال خود موجبات هدایت فرزندان را فراهم و یا موجب انحراف آنها از راه راست گردد. در نتیجه زن باید بکوشد تا از توانمندی های خود در عرصه عظیم انسان سازی، نهاد خانواده را استحکام بخشد. لذا این پژوهش بر آن بوده تا با روش تحلیلی، توصیفی وظایف مادران و نقش آنها در سلامت اخلاقی کودکان را از منظر اسلام و مسیحیت مورد بررسی تطبیقی قرار دهد. دست آورد این پژوهش برتری و امتیاز دستورات و تعالیم دین مبین اسلام نسبت به تعالیم دین مسیحیت در باب نقش مادران بر سلامت اخلاقی فرزندان بوده است، لذا در این مقاله سعی شده که با استناد به کتب مقدس (قرآن و انجیل) نقش زنان در تربیت اخلاقی کودکان ارائه شود.

کلیدواژگان: اسلام، زن، سلامت اخلاقی، کودکان، مسیحیت.

مقدمه

سلامت اخلاقی فرزندان از جمله مباحثی است که در طول تاریخ همواره مورد توجه انسان‌های طالب کمال بوده و اقدام در جهت تربیت فرزندان سالم در تمامی جوامع از ابتدایی و انسانهای اولیه گرفته تا جوامع متمدن وجود داشته است لکن بشر امروزی با وجود انواع پیشرفت‌ها به علت انحرافات اخلاقی و تربیتی گرفتار بحران و کج رفتاری‌های فراوان اخلاقی شده است که حاکی از عمل نکردن به نظام تعلیم و تربیت صحیح از جانب خانواده‌هاست. در این بین یکی از عواملی موثر و فوق‌العاده مهم در تربیت اخلاقی فرزندان نقش مادران و زنان در خانواده می‌باشد که نباید از نفوذ و قدرت بسیار زیاد آن در پیشرفت اخلاقی فرزندان غافل شد و از آنجایی که در دنیای امروزه و برای رسیدن به کمالات اخلاقی و سلامت رفتاری نیازمند به کارگیری اصول دینی و انسانی افراد جامعه هستیم لذا باید از ریشه یعنی از تربیت فرزندان که آینده سازان تشکیل دهنده جوامع آتی هستند شروع کرده، به همین منظور باید به دنبال نقش‌های اساسی زنان در تربیت سالم کودکان از دیدگاه ادیان مطرح دنیا بود لذا اهمیت بحث به وضوح نمایان است که آیا چه نقش ویژه‌ای برای زنان در تربیت صحیح کودکان در ادیان مطرح وجود دارد؟ که تبعاً باعث پیشرفت اخلاقی انسان‌های آینده ساز جوامع خواهد بود. گرچه تاکنون در این باره مکتوبات با ارزشی در مقالات و کتب نگاشته شده است لکن این مقاله به دنبال آن است که با رویکرد تطبیقی توصیفی، نقش زنان در تربیت اخلاقی فرزندان را از دیدگاه اسلام و مسیحیت مورد بررسی قرار دهد با این هدف که روشن کند حقیقتاً کدام یک از ادیان (اسلام و مسیحیت) نقش صحیح زنان را در تربیت اخلاقی فرزندان ترسیم می‌کند. یکی از عوامل مهمی که ما را بر آن می‌دارد تا به این بحث پردازیم وجود جامعه‌ای کامل و متشکل از استعداد‌های سالم اخلاقی و به تبع آن پدید آمدن مدینه فاضله است که عاری از هرگونه پلیدی و معضلات اجتماعی اقتصادی سیاسی و فرهنگی می‌باشد که با محقق شدن این امر می‌توان شاهد زمینه‌سازی نظام مند دولت آخرالزمانی و مهیا سازی بستر ظهور امام عصر (عج) بود. ان شاء الله



تعریف سلامت اخلاقی فرزندان از منظر اسلام:

در کتب لغت آمده این گونه آمده که: (اخلاق جمع خَلْق می باشد که به معنای خوی، سرشت و امثال آن است که به معنای صورت درونی و ناپیدای انسان گفته می شود که با بصیرت قابل درک است، در مقابل خَلْق که به معنای شکل ظاهری و معلوم انسان اطلاق می شود که با چشم قابل دیدن است) (زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس بیروت، بی تا: ج ۲۵، ص ۲۵۷)؛ اما مشهور ترین استعمال در اصطلاح اخلاق که در میان دانشمندان اسلامی رایج می باشد عبارت است از: (صفات نفسانی پایداری که باعث می شود افعالی متناسب با آن صفات به آسانی و بدون احتیاج به تأمل از انسان صادر شود (ابی علی مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، بی تا: ص ۵۱). بعد از اینکه واژه اخلاق مشخص شد که به چه معنا است باید به سلامت اخلاق بپردازیم که چه مفهومی دارد در باب نحوه شکل پذیری شخصیت و اخلاق سالم تا به حال نظریه های مختلفی ارائه شده است. این که زن ها در این باره نقش دارند یا نه هنوز به درستی قابل اثبات نیست ولی عوامل محیطی تعلیم و تربیت، فضای خانواده، آداب و رسوم جامعه در شکل پذیری شخصیت تاثیر بسزایی دارد. شخصیت سالم ارزش ها و اولویت های مشخصی دارد که در دین مبین اسلام اخلاق سالم و سلامت اخلاقی را علاوه به سلامت جسمی روانی اجتماعی بعد معنوی اخلاق می داند که تاثیر بسزایی در سلامت روان فرد دارد. این بخش از شخصیت شخص از عقاید او تشکیل می شود و تعلیم دهندگان اعم از والدین و معلمان در انتقال این ارزشهای معنوی و عقائد نقش مهم و اساسی دارند. یادگیری اخلاق سالم اکتسابی است و افراد به ویژه کودکان و فرزندان از طریق دیدن و الگوسازی یاد می گیرند. طبق تعالیم اسلام هدف از اخلاق سالم دست یافتن به کمالات معنوی و رسیدن به مقام والای کرامت انسانی است که سعادت انسان در دو جهان به کمالات وی بستگی دارد. مسئله (فوز) نیل به هدف و فلاح که در قرآن مطرح شده است هدف از اخلاق سالم و آراسته شدن به اخلاق کریمه را نشان می دهد «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی، ۱۴)، طبق روایات وارده از اهل بیت (علیهم السلام) هم به سلامت اخلاق بسیار تاکید شده است و برای سلامت اخلاقی مفاهیم متعددی ذکر شده که همگی آنها حول محور دینداری و دین باوری



می باشند (ابن بابویه، معانی الاخبار، ۱۳۶۱: ص ۱۹۱، ح ۲؛ تمیمی آمدی، غرر الحکم، ۱۴۱۰ق: ح ۵۲۶۷؛ ابن بابویه، علل الشرایع، بی تا: ج ۲، ص ۵۵۹؛ ابن بابویه، امالی، ۱۳۷۶: ص ۲۹۰؛ حرانی، تحف العقول، ۱۳۸۲: ص ۲۱۴).

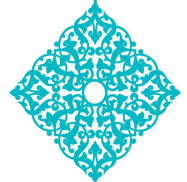
در حدیث شریفی از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است که: «همانا به راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شدم» (حرانی، تحف العقول، ۱۳۸۲: ص ۲۱۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۱۶، ص ۲۱۰).

حال که هدف از سلامت اخلاقی روشن شد باید ببینیم اسلام در باب سلامت اخلاقی فرزندان چه تعریفی دارد. طبق معارف ناب اسلامی بخش عمده ای از زمینه های اخلاقی در خانواده رشد و نمو می کند و در واقع زیربنای اصلی اخلاق فرزندان خانواده است، محیط سالم یا ناسالم خانواده تاثیر بسیار زیادی در رشد فضائل اخلاقی یا رشد رذائل دارد اهمیت این موضوع زمانی مشخص می شود که توجه داشته باشیم که کودکان بسیار اثر پذیرند و آثاری که در آن سن و سال کودکی در روح و جان آنان نفوذ می کند ماندنی است طبق حدیث حضرت امیرمومنان علی (علیه السلام) که فرمودند: «علم در کودکی همانند نقش است روی سنگ». (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۲۲۴).

بنابراین کودکان سلامت اخلاقی خود را از سجایای اخلاقی والدین مخصوصاً مادران میگیرند مثل شجاعت، صداقت، سخاوت و امانت و

تعریف سلامت اخلاقی فرزندان از منظر مسیحیت

در ابتدا باید اخلاق را از منظر آیین مسیحیت تعریف کنیم که طبق آموزه های این دین اخلاق به چه معنا آمده است: «تعریف (اخلاق) در آیین مسیح دقیقاً نقطه مقابل تعریف اخلاق در آیین یهود می باشد که یکی افراط و دیگری تفریط را در پیش گرفته، اگر در دین یهود خشونت و قساوت رایج است، دین مسیح بر اساس مهر و محبت و روحیه ظلم پذیری بنا نهاده شده، طبق کتاب مقدس مسیحیان این چنین آمده: «به هیچ کس بدی نرسانید حتی اگر به شما بدی برسانند دشمنان خود را دوست بدارید». این نوع اخلاق در مسیحیت غریزه و نفسانیت بشری را نفی می کند زیرا غریزه بشری دارای نیروی غضبیه است و از طرفی هم دوست داشتن دشمنان با عزت نفس انسان منافات دارد، دین مسیحیت





همانطور که حضرت مسیح (علیه السلام) بیان می‌کند: دین اولیاء است و اخلاقی هم که در این آیینمورد توجه است اخلاقی متناسب با اخلاق اولیاءست (واعظ و کاردل ایلواری، «تبیین تطبیقی مبانی نظری، شرعی و اخلاقی اسلام، یهودیت و مسیحیت»، ۱۳۹۱: ص ۶۷-۹۸).

برای مثال مسیحیان مقوله ازدواج را یک امر دنیوی نمی‌دانند، بلکه آنها معتقدند که روحانی‌های ارتدوکس و کاتولیک به تبعیت از حضرت مسیح (علیه السلام) نباید ازدواج کنند این در حالی که در دین مقدس اسلام امر ازدواج برای هیچ گروهی منع نشده است و نه تنها ازدواج مانع پیشرفت و کمال نیست بلکه موجب تسریع حرکت به سوی کمالات نیز می‌شود. حال که به طور اجمال با مفهوم اخلاق سالم در نظر مسیحیت آشنا شدیم باید به تعریف سلامت اخلاقی فرزندان از دیدگاه این آیین بپردازیم، به طور کلی هدف از تربیت اخلاقی فرزندان در مسیحیت آماده‌سازی کودکان برای زندگی است که چنین زندگی و حیاتی در آموزه‌های این دین ذاتا عجیب با اخلاق است لذا منظور از تربیت اخلاقی مسیحی یک راهی است که با آن راه، شکل خاصی از زندگی اخلاقی به فرزندان تعلیم داده می‌شود (بقره، ۲۳۳).

طبق مطالعات در آیین مسیحیت «هدف کلی تربیت دین مسیحی نیز آن است که با مشارکت الطاف الهی عشق عیسی حضرت مسیح (ع) با جان کودک عجین گردد به نحوی که کودک با سخنانی از حقایق وحی شده به حضرت مسیح (ع) و آموخته شده کلیسا مطلع شود و مطابق با استعداد و ظرفیتش آنها را بشناسد و به طور کامل در زندگی روزانه‌اش به کار بندد و با انجام دادن آنها احساس رضایت و خوشنودی نماید.

این تعالیم از کتاب‌های تحریف شده مسیحیان به دست آمده لکن گرچه کامل و بی‌عیب نیست اما با آنچه که در دنیای امروز مسیحیت مشاهده می‌شود کاملاً متفاوت است و در جوامع امروز مسیحیت توجه به دستورات همان دین تحریف شده نیز کمرنگ گشته است که نمی‌توان طبقه هر دو روش موجود چه روش اصلی و چه روش امروزی تربیت سالم و کاملی را برای کودکان در این آیین مشاهده کرد.

نقش زنان بر تربیت کودکان از منظر اسلام

تداوم نسل انسانی و تعلیم افراد برای آینده جوامع یکی از اهداف اصلی تشکیل خانواده است که دین اسلام نیز بر آن بسیار تاکید می کند، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در ترغیب اشخاص به ازدواج بر تولید نسل تاکید می کند و آن را سبب افتخار خود می داند (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۱۴، ص ۳). از دیدگاه فردی نیز بیشتر انسان ها علاقه مند استمرار نسل خویش هستند و دوست دارند که فرزندان از خود داشته باشند لکن جنس زنان در این مقوله قوی تر از مردان هستند از جمله مادر حضرت موسی (علیه السلام) که در قرآن به آن اشاره شده است (قصص، ۱۰).

به هر حال رابطه زیستی مادر و فرزند که در مرحله ی موجود شناختی یک مرحله واحد محسوب می شوند و فرزند وابستگی کاملاً حیاتی به مادر خویش دارد و سپس تا چند ماه فقط از او تغذیه می کند که موجب روابط عاطفی شدید و عمیق بین آن دو است به نحوی که عمیق ترین رابطه عاطفی متعلق به مادر و فرزند است.

لذا این عمق رابطه باعث تاثیر بسیار بالای رفتار و تربیت مادر بر فرزند و کودک خویش است که ناگزیر فرزند به تبع رفتار های موجود در مادر خویش الگوبرداری می کند. و این به خاطر قدرت نفوذ بالای مادر در روح و روان و جسم و جان فرزندی که در اختیار دارد می باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: زن در آینه جلال و جمال، ص ۱۳۶-۱۳۷). سر تمجید قرآن کریم از مادران جایگاه اصلی و مهم آنان در پرورش فرزندان و نسل آینده جوامع است. در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه نیز شکی نیست که زنان نقش عمده و اصلی دارند. در سخنی مختصر اما پر معنی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که: «اکثر خیر در زنان است» (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۳۸۵). شمه ای از این کلام نورانی نیز در فرمایشات امام خمینی (رحمت الله علیه) اینگونه آمده است که: «زن مربی جامعه است از دامن زن انسان ها پیدا می شوند، مربی انسانها زن است، سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است، زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند و کشور آباد می کند مبداء همه سعادت ها از دامن زن بلند می شود» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ص ۲۴۶).





در روایت مشهوری از رسول خدا (صلی الله و علیه) نقل شده که: « بدانید همه شما حافظ مصالح هستید و همه شما در برابر کسانی که حافظ مصالح آنان هستید مسئولید» (دیلمی، ارشاد القلوب، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۱۸۴). زن نیز حافظ مصالح خانواده شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنان مسئول است، در این روایت نبی مکرم اسلام (ص) به صراحت زنان را حافظ مصالح شوهر و فرزندان دانسته است که یکی از مصالح اهم فرزندان اهتمام به تربیت دینی آنان است.

با توجه به آنچه که بیان شد دریافتیم که زنان نقش اصلی و بی بدیل در تربیت کودکان دارند و از آیات شریفه قرآن و روایات نیز همین استفاده می‌شود که اصلی‌ترین عامل تربیت فرزندان زنان هستند.

دستورات اسلام به زنان جهت سلامت اخلاقی کودکان

از آنجایی که اسلام عزیز نسبت به سایر ادیان از امتیاز ویژه‌ای در فرهنگ تعلیم و تربیت برخوردار است و همچنین یکی از با اهمیت‌ترین مسائل موجود مسئله تربیت اخلاقی کودکان و فرزندان است لذا دستورات اسلامی در این باب به وضوح دیده می‌شود و نمایان این مسئله است که تعالیم اسلامی در این باب بسیار مورد دقت بوده لکن باید نقش اصلی زنان در تربیت کودکان و اینکه اسلام چه دستوراتی به زنان در راستای تربیت کودکان داده است را از آیات شریف قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) مورد بررسی اجمالی قرار دهیم تا به نتایج حاصله مورد استفاده کاربردی در زندگی تربیتی فرزندان دست یابیم. از دیدگاه قرآن خلقت زن و مرد عبودیت خداوند و تقرب به او است و هر کدام برای رسیدن به کمال خود خلق شده‌اند و این طور نیست که اصل کمال مرد و زن ابزاری برای کمال یابی مرد به حساب آید. در حالی که از طرف دیگر هم آفرینش اصلی این دو به معنای استقلال آنها از یکدیگر در رسیدن به کمال خویش نیست بلکه این دو مکمل یکدیگرند و هر کدام در کمال دیگری نقش موثری را ایفا می‌کند. قرآن کریم خانواده را کانونی برای تربیت و پرورش استعدادها و رشد توانمندی‌های فرزندان بر می‌شمارد و برای بهتر نتیجه دادن امور تربیتی نقش هر یک از مادر و پدر را

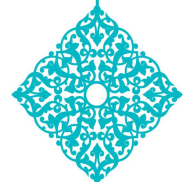
معلوم نموده است. در آیه شریفه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره چنین آمده است: «مادران فرزندان خود را ۲ سال تمام شیر می دهند» (بقره، ۲۳۳).

برخی بر این باورند که: «این تقسیم وظیفه مربوط به عصر و زمانی است که مادران خانه نشین بودند» (مطهری، تعلیم و تربیت، ۱۳۶۵). اما باید دانست که تاثیر مادر صرفاً مربوط به جنبه های روانی و اجتماعی مخصوص نیست بلکه مادر در آشنا ساختن کودک با جامعه و هدایت و رهبری و زحمت دادن به افکار کودک با زندگی جمعی نقش اساسی دارد.

کودک به علت زود باوری و تقلید مطلق در سال های ابتدایی زندگی از مادر این افکار را به راحتی می پذیرد، اما جایگاه تربیتی مادر در دین اسلام قبل از ازدواج آغاز می شود و به همین خاطر در روایات سفارش شده که در انتخاب همسر دقت کنید و فردی را برگزینید که بتواند مادر خوبی برای فرزندان شما باشد لازمه این سفارش هم آن است که دختران در تربیت خویش بکوشند و پیش از ازدواج نقش مادریشان را در نظر آورده و روح و جان خود را برای آن آماده کنند.

اسلام عزیز پیش از تولد فرزند و پس از ازدواج هم برای زن نقش تربیتی خاص خود را ارائه می دهد و توصیه می کند که زن با رشد دادن روح خود و تقویت تقوا فرزندی را طلب کند که حداقل مانند خودش باشد. همچنین هنگام انعقاد نطفه، ایام بارداری، هنگام وضع حمل و هنگام شیر دادن هم هر یک سفارشهای ویژه ای دارد که حاکی از اهمیت تربیت فرزند صالح و سالم در اسلام است، سفارش هایی که بخش عمده آن به زنان برمی گردد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می کنیم.

- (۱) پاکدامنی و تقوای مادر، زیرا تقوای مادر تاثیر فراوانی بر تقوای فرزند خواهد داشت
- (۲) تلاش جهت رعایت بهداشت خود و فرزندش
- (۳) بالا بردن سطح دانایی خود برای تربیت فرزند
- (۴) همراه بردن کودک به مجالس دینی
- (۵) پاک کردن فضای منزل و دمیدن روح تقدس در آن
- (۶) ایجاد انگیزه و تمایل در کودک برای انجام کار خیر و دوست داشتن دیگران





۷) تامین غذای روحی و عقلی برای فرزند

۸) تشویق فرزندان به حفظ متون دینی

از جمله روایات کثیری که از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در باب تربیت فرزندان وارد شده است می توان به مواردی همچون احادیث مذکور اشاره کرد که عمده آن دستورات خطاب به مادران می باشد من جمله:

۱) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: « خداوند متعال نسبت به شخصی که نسبت به فرزند خود محبت بسیار دارد رحمت و عنایت می کند» (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۱۳۷۰: ص ۱۱۳).

۲) رسول خدا (ص) فرمودند: «به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آنها معاشرت نمایید» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۹ق: ج ۲۳، ص ۱۱۴).

۳) حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «کسی که کودکی دارد باید در راه تربیت او کودکانه رفتار نماید» (حر عاملی، وسایل الشیعه، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۲۶).

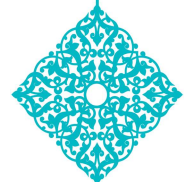
۴) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «طفل هفت سال بازی می کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد و هفت سال حلال و حرام احکام الهی را یاد بگیرد» (کلینی، الکافی، ۱۳۶۳: ج ۶، ص ۴۶).

نقش زنان بر تربیت کودکان از منظر مسیحیت

در دین و آیین تحریف شده مسیحیت برای زنان نقش بسیار نازلی ترسیم شده است که هر کس با اندک تورقی که با منابع این آیین سر و کار داشته باشد به این امر واقف می گردد که مسیحیت محرف جایگاه و نقش بسیار منحطی را برای زنان قائل شده است و از آنجا که زنان در تمامی ادیان و حتی در میان بی دینان عالم نقش اساسی در تربیت کودکان دارند لذا نمی توان از این دستورات بی پایه و اساس که فساد آنها آشکار است در تربیت سالم و صحیح کودکان استفاده کرد. از نگاه مسیحیت خلقت جنبی و مسئولیت گناه باعث شده است کتاب مقدس همواره به زن نگاه فرعی داشته باشد و در سرشماری هایی که کتاب مقدس از تعداد افراد قوم روایت کرده است زنان به حساب نمی آمدند (اعداد ۳: ۳۹، خروج ۱۲: ۳۷). سلیمان نبی درباره زن می گوید: می توان از بین هزار مرد

یک مرد نیکو یافت اما در میان تمام زنان یک زن نیکو هم پیدا نکردم (جامعه ۷: ۲۸). شاید به همین دلیل آگوستین معتقد بود: «زن نه استحکام دارد و نه استواری، زن سرآغاز همه دعاوی و مخالفت هاست و طریقه هرگونه فساد اخلاق است ۳» اما در نگاه اسلامی زن و مرد با یکدیگر مساوی اند و اصولاً جنسیت ملاک برتری افراد نیست و ملاک ارزش گذاری انسان ها تقوا و عمل صالح آنهاست (حجرات، ۱۳). خداوند متعال مسئولیت ها را بین زن و مرد تقسیم نموده و وظیفه هر یک را مشخص کرده، به این شکل که مسئولیت تامین هزینه و نقش اداره خانواده را به عهده مرد گذاشته و مسئولیت مدیریت خانه را نیز برعهده زن نهاده است (نساء، ۳۴). لکن در تعالیم مسیحیت نه تنها این گونه تقسیم بندی دیده نمی شود بلکه هیچ جایگاهی را برای زنان در باب تربیت و تعالیم اعضای خانواده خصوصاً کودکان به این شکل که اسلام قائل شده قائل نشده است تا حدی که یکی از احکام کلیسایی منع تعلیم توسط زنان است پول رسول درباره تعلیم زنان می گوید: زنان باید در سکوت و کمال فروتنی تعلیم بگیرند من به زنی اجازه نمی دهم که تعلیم دهد یا بر مردان حکومت کند (اول تیموتاء وس ۲: ۱۱-۱۴). همچنین وی بیان می کند: «و زنان شما در کلیساها باید خاموش باشند زیرا ایشان را حرف زدن جایز نیست بلکه فقط باید اطاعت کنند چنانکه در تورات نیز همین را می گوید» (اول قرنتیان ۱۴، ۳۴-۳۵).

در عهد جدید نیز به زنان اجازه داده نشده تا معلم باشند از همین رو کلیسا اجازه کشیش شدن زنان را صادر نمی کند حتی در بین زنان با تقوا از منظر مسیحیت این گونه زنان نیز نقش و تأثیری در سلامت اخلاقی کودکان ندارند به شکلی که در قرون چهارم و پنجم میلادی برخی از زنان زاهد مسیحی در گروه رهبانی و در مواردی به صورت فردی زندگی می کردند و به (مادران صحرا) شهرت یافتند. ۱. نتیجتاً اینکه همه عالم در همه ادیان بر این باورند که تربیت و تعلیم دینی و همچنین زندگی اجتماعی برای بشر سودمند است چرا که اصل ایمان و دینداری در استحکام نهاد خانواده جایگاه بالایی را به خود اختصاص داده است و بین تنزل دینداری و ضعف نهاد خانواده رابطه مستقیمی وجود دارد هنگامی که کانون گرم خانواده دچار تنزل شود تربیت دینی نیز ضربه جدی و جبران ناپذیری خواهد خورد، گرچه مومنان مسیحی نیز بر این امر تأکید می کنند و اطاعت





از خدا و خدا ترسی را یکی از تکالیف اخلاق خانواده می‌دانند لکن در اغلب تعالیم تحریف شده مسیحیت و در دنیای مدرن و امروزی این آیین به خاطر این که بسیاری از تعالیم واقعی و حقیقی آن دستخوش تحریف شده باعث شده است که نه تنها زنان نتوانند نقش موثری را در تربیت صحیح و سالم کودکان خویش داشته باشند بلکه بعضاً عکس این رویه را القا نموده و باعث تقویت غیر صحیح و ناسالم کودکان تحت اختیار خویش شده‌اند در هر حال این نکته قابل توجه است که مسیحیت با تمامی وسعت اقوال و نظرات موجود در باب تعالیم این آیین توانایی ترسیم یک نظام صحیح تربیتی برای کودکان از جانب زنان را ندارد و آنچه که عیان است و در حال حاضر وجود دارد نمی‌تواند قدرت تربیتی صحیح و سالمی را برای مادران در جهت تربیت کودکان باشد.

دستورات مسیحیت جهت سلامت اخلاقی کودکان

در دستوراتی که از آیین مسیحیت به دست ما رسیده است و از آن مطلعیم اصل دستورات اولیه این دین نسبت به سلامت اخلاقی کودکان اموری مقدس و با نگاهی معنوی است لکن آنچه که در لابه لای این آیین با آن مواجه خواهیم بود وجود یک سری تناقضات اصولی و عملی در این باره است که نتیجه را بر ما دشوار خواهد کرد در تعالیم مسیح این‌گونه آمده که مسیحیان بر این باورند که تشکیل خانواده و زندگی زناشویی امری مقدس است زن و مرد با این کار تعهد می‌کنند برای تولید مثل و تربیت فرزندان و رشد آنها در فضایی پر از فضیلت، ایمان و محبت به خدا بکوشند (رسول زاده و باغبانی، شناخت مسیحیت، ۱۳۸۹: ۷۲۳).

در ادیان الهی من جمله مسیحیت این طور آمده که همگی باید به خانواده و ارزش های معتبر آن احترام بگذارند این ادیان توصیه های فراوانی دارند که عمل به آنها موجب استواری خانواده و کاهش آسیب دیدن و فروپاشی آن است برای صیانت از خانواده باید از مقرراتی پیروی کرد. پولس یک تفکر مسیحی در باره این مقررات را شکل داد و به مرور زمان توصیه‌هایی سرلوحه کار مسیحیان قرار گرفت: ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را، ای فرزندان والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید زیرا که این انصاف است، پدر و مادر خود را احترام نما که این حکم اول با وعده است تا تو را

عافیت باشد و عمر دراز بر زمین کنی و ای والدین فرزندان خود را به خشم نیاورید بلکه ایشان را به تادیب و نصیحت خداوند تربیت نمایید (رساله به افسسیان ۶، ۱-۴).

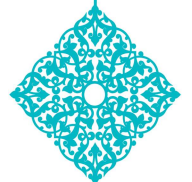
به اعتقاد اولین گروه های کلیسایی کاتولیک و ارتدوکس (تعمید اطفال) همانند تعمید بالغان دارای حجیت و سرآغاز رهایی کودک از سرشت هبوط یافته انسانی، تشریف او به جمع فرزندان خدا، غسل تولد تازه به واسطه روح القدس. کتکیزم کاتولیک در این باره می نویسد: «کودکان در حالی که با سرشت هبوط یافته انسانی متولد می شوند و به گناه اولیه آلوده اند، احتیاج به تولد دوباره در مراسم غسل تعمید دارند تا از قدرت ظلمت ها رها شوند و به قلمرو آزادی فرزندان خدا وارد شوند قلمرویی که همه انسان ها به آن سرا خوانده شده اند» (catechism of the catholic church, N. 1250).

لذا این عمل همانند تعمید بالغان در زمره اولین راز از هفت راز مقدس کلیسایی محسوب می شود. در بین معتقدین به تعمید افعال این عقیده حاکم است که اگر کلیسا و والدین در مدت کوتاهی بعد از تولد کودک او را تعمید ندهند طفل را از فیض فرزند خواندگی خدا محروم می کنند (کتاب مقدس متی، باب ۳، ص ۱۵).

حال با این اوصافی که بیان نمودیم نتیجه دستورات مسیحیت در باب سلامت اخلاقی کودکان با آموزه های اصیل اسلامی سنجیده گردید که نتایج حاصله آن چراغ راه طالبان حقیقی معارف خواهد بود لکن مع ذلک قضاوت را به خوانندگان محترم واگذار میکنیم. گرچه به وضوح پیداست که تنها ترین و کامل ترین آیین در تمامی ابواب زندگی خصوصاً تربیت سالم کودکان دین مبین اسلام است که به دور از تحریف و کم و کاستی ست و با دقیق ترین و ظریف ترین برنامه ها در این باب آموزه های خویش را بیان نموده و جهت سعادت کامل و هدایت اکمل کودکان و آینده سازان جوامع بشری برنامه های جامعه را ترسیم نموده که در پرتو عمل به آنها شاهد بالنده شدن جوامع انسانی در سراسر کره خاکی خواهیم بود.

نتیجه گیری

پس از بررسی اجمالی در منابع مسیحیت و منابع درجه اول اسلامی در باب نقش زنان در تربیت اخلاقی کودکان نتایج بسیار قابل استفاده ای حاصل شد که در یافتیم با این که





اصل این ادیان الهی اهمیت خاص و مهمی جهت تربیت اخلاقی فرزندان قائل هستند که عامل اصلی آن را نیز مادران می‌دانند لکن می‌توان به روشنی برتری دین اسلام در باب تعالیم تربیت اخلاقی فرزندان به نتایج حاصله اشاره کرد که از جمله مهمترین اشتراک‌هایی که در اسلام و مسیحیت در رابطه با مقام زن وجود دارد پذیرش نقش رهبری و زمامداری زنان در صحنه هدایت جامعه می‌باشد که در هر دو کتاب مقدس (قرآن و انجیل) زن به عنوان یک الگو جهت زمامداری امر تربیت معرفی شده است لکن فرق‌هایی که در این دو دین در باب نقش زنان بر تربیت وجود دارد فرق آندو و نقش هر یک را واضح می‌کند که عبارت است از: زن به طور کلی در عهدین موجود (عهد عتیق و عهد جدید) - و با توجه به اینکه هیچ کدام نسخه اصلی کتب مقدس نمی‌باشند و محتوای آنها برگرفته از سخنان و نظرات شخصی حواریون خصوصاً پول می‌باشد - جایگاه خویش را از دست داده و در سطحی بسیار پایین تر از مرد به لحاظ انسانی قرار گرفته است. برای مثال پولس در یکی از رسائل خود ممنوعیت تعلیم دهنده بودن زن و عدم تسلط ایشان (زنان) بر همسرانشان را مورد تاکید قرار می‌دهد. این در حالی است که زن و مرد در دیدگاه قرآن کریم و روایات اهل بیت علیه السلام یکسانند و از جایگاه حقوقی برابری نیز برخوردارند و همچنین زنان در عهدین با توجه به قرائنی محدود که در دسترس است تا حدود اندکی از قدرت و حق انتخاب و حق تعلیم و تربیت فرزندان برخوردار بودند. در حالی که در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) زنان دارای حق تعلیم و تربیت به احسن وجه و به شکل سالم در همه امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... مثل مردان هستند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، «لسان العرب»، بیروت، داراحیاء التراث، بی تا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، «الأمالی للصدوق»، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، «علل الشرائع»، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، «معانی الأخبار»، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، «من لایحضره الفقیه»، قم، جامعه مدرسین فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن شعبه، حسن بن علی، «تحف العقول»، قم، آل علی (علیه السلام)، ۱۳۸۲.
۷. انجیل (عهد عتیق/عهد جدید)
۸. آمدی، عبدالواحد بن محمد، «غرر الحکم»، قم، دار کتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، «زن در آئینه جلال و جمال»، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۸.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۱۱. حسینی زبیدی واسطی، سید مرتضی، «تاج العروس من جواهر القاموس»، بیروت، دارمکتب الحیاء، بی تا.
۱۲. خمینی، سید روح الله، «صحیفه امام»، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۹.
۱۳. دیلمی، حسن، ارشادالقلوب، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۴. رسول زاده، عباس و جواد باغبانی، «شناخت مسیحیت»، قم، انتشارات موسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۱۵. سادات، محمد علی، «اخلاق اسلامی»، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۳.
۱۶. طبرسی، حسن ابن فضل، «مکارم الاخلاق»، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۷. علامه حرانی، ابن شعبه، «تحف العقول»، بی جا، بی نا، بی تا.





۱۸. کاشانی، محمد، «مسیحیت شناسی تحلیلی»، قم، اداره کل فرق و ادیان معاونت تبلیغ حوزه، ۱۳۹۵.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، «بحارالانوار»، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۱. مسکویه رازی، ابوعلی احد بن محمد، «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق»، قم، نشر بیدار، بی‌تا.
۲۲. مطهری، مرتضی، «تعلیم و تربیت»، تهران، انتشارات الزهرا(س)، ۱۳۶۵.
۲۳. واعظ، بتول و رقیه کاردل ایلواری، «تبیین تطبیقی مبانی نظری، شرعی و اخلاقی اسلام، یهودیت و مسیحیت»؛ پژوهشنامه معارف قرآنی.
۲۴. وان وورست، رابرت ای، «مسیحیت از لابه لای متون»، ترجمه جوتد باغبانی و عباس رسول زاده، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲.